



انقلابی "عمو" هو" (هوشی مین) را می خواندند و در کوله پشتی هایشان "حماسه مقاومت" و "خاطرات یک چریک" و "چگونه انسان غول شد" و "اقتصاد به زبان ساده" و... را حمل می کردند. در واقع کوه های "مودر"، تنها یکی از این دانشکده های خلقی در سراسر ایران بود که با وجود عمر کوتاهشان نسل درخشانی از شیر زنان و کوه مردان سرزمین ما را برای ایفای نقش تاریخی شان در این سرزمین، آماده می کردند. اینان شمار کوچکی از نسل بی شماری بودند که قدم در راه "ماهی سیاه کوچولوهای" صمد بهرنگی گذاردند و از اندیشه های پاک مسعود احمد زاده ها و پویانها سیراب شده و از روایت شکنجه های عباس مفتاحی ها و بهروز دهقانی ها درس گرفته و آبدیده شده بودند و سملهایشان رفقای چون مهنوش ابراهیمی ها و مرضیه احمدی اسکویی ها و علی اکبر جعفری ها و حمید اشرف ها بودند؛ یعنی کمونیستهای فدایی!...

... پاسداران، قربانیان را در کنار گودالها نگه داشتند و اینجا بود که یکی دیگر از کثیف ترین اعمال بی شرمانه خود را انجام دادند و با فریاد فرمان دادند تا محکومین، به دست خودشان بر عمق قبرهای خودشان بیفزایند....

... پیش از آنکه زوزه سلاح های مزدوران دامنه مودر را درنوردد و گلوله های داغ کینه شب پرستان، بر سینه های ستبر محکومین بنشیند، در آخرین لحظات در میان بهت و خشم پاسداران قاتل و فرومایه، عزت بهرامی شروع به خواندن سرود کرد و یارانش نیز با او همراهی کردند... به این ترتیب آنها با پیکری مجروح، ضربه واپسین شان را هم به قلب دشمن زدند و به خواندن آخرین سرود زندگیشان در مقابل چهره بهت زده دشمن پرداختند ... سپس صدای شلیک یازده گلوله خلاص و دیگر هیچ!..

... شرح صحنه مربوط به اعدام این یازده جوان رزمنده فدایی و مبارز، با قلم نگارنده ولی به نقل از یکی از مزدوران حاضر در این صحنه اعدام صورت گرفته که تنها چند روز پس از افشای خبر این جنایت، از طریق بستگان او به اطلاع بازماندگان برخی از این جانباختگان رسیده است.

**برگرفته از "مودری ها": راز دیرین یکی دیگر از جنایات جمهوری اسلامی،  
در سینه کوه های "مودر" اراک!  
( گزارشی از چگونگی به خون خفتن ۱۱ مبارز، در ۴ آبان ۱۳۶۱ در "خاوران" اراک )  
مطلب کامل در لینک زیر قابل دسترسی ست:**

[Payam-Fadaee-237.pdf](#)